

Hypertextual Readings in Scripted Dialogue Writing Based on Pierre Bourdieu's Power-Oriented Approach

Sara Tohidifar¹, Ramtin Shahbazi²

Received: 27 July 2024, Accepted: 28 September 2024

Abstract

The world of the films defines the situation and assigns roles to each character, effectively reproducing the dynamics of "dominion." By proposing the theory of language and symbolic power and explaining the complex relations between "power" and "language", Pierre Bourdieu has discussed how dominance is formed in societies. In the movie *The Miracle Worker*, a child named Helen Keller is deprived of the most basic means of entering the field, i.e. language, and the lack of language (as the most basic means of communication) has made her unable to communicate meaningfully. The present research, based on the analytical descriptive method, investigates the relations of domination in the structure of the film, *The Miracle Worker*. During this adaptation, this research focuses on how "language" in the film serves as symbolic capital to equip Helen Keller for social engagement and to achieve symbolic power.

By examining the discussed sample, it is concluded that the basic role of language in the power structure and its application at the level of individual and collective agency requires special attention and people, while being aware of its dual use, to gain a place in the world. Dominance and power require the communicative action of language before any action.

Keywords: The Miracle Worker, Helen Keller, Language, Symbolic capital, Pierre Bourdieu

1. MA in Cinema, Soore University. Tehran, Iran.

Email: sara.tohidifar@gmail.com

2. Assistant professor of Cinema department, Art Faculty, Soore University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: Ramtin.shahbazi@soore.ac.ir

خوانش فرامتنی گفت‌وگوها و کنش‌های فیلم معجزه‌گر آرتور پن؛ با اتخاذ رویکرد قدرت محورِ بوردیو

سارا توحیدی‌فر^۱، رامتین شهبازی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷

چکیده

جهان فیلم، با پی‌ریزی موقعیت و اعطای جایگاه به هر شخصیت، می‌تواند روابط «سلطه» را به‌وضوح بازتولید نماید. پیر بوردیو با طرح نظریه زبان و قدرت نمادین و تشریح روابط پیچیده «قدرت» و «زبان» به چگونگی شکل‌گیری سلطه در اجتماعات پرداخته است. در فیلم معجزه‌گر، کودکی به نام هلن کلر از ابتدایی‌ترین ابزار ورود به میدان، یعنی زبان بی‌بهره مانده و فقدان زبان (به‌عنوان اساسی‌ترین محمل ارتباطی)، وی را از برقراری ارتباطات معنادار عاجز ساخته است. پژوهش حاضر بر پایه روش توصیفی تحلیلی، به بررسی روابط سلطه در ساختار فیلم معجزه‌گر می‌پردازد. در خلال این انطباق؛ دغدغه اساسی این پژوهش پاسخ به این سؤال است که «زبان» در فیلم معجزه‌گر چگونه به عنوان یک سرمایه نمادین می‌تواند هلن کلر را برای حضور در میدان و کسب قدرت نمادین آماده کند؟ با بررسی نمونه مورد بحث، این‌گونه استنباط می‌شود که نقش اساسی زبان در ساختار قدرت و کاربرد آن در سطح عاملیت فردی و جمعی، توجه ویژه‌ای را می‌طلبد و افراد ضمن آگاهی یافتن از کاربرد دووجهی آن، جهت کسب جایگاه در دنیای سلطه و قدرت، پیش از هر کشی نیازمند کنش ارتباطی زبان هستند.

واژگان کلیدی: فیلم معجزه‌گر، هلن کلر، زبان، سرمایه نمادین، پیر بوردیو

۱. سینما، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

Email: sara.tohidifar@gmail.com

۲. استادیار گروه سینما، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Ramtin.shahbazi@soore.ac.ir

مقدمه

نقش‌ها و روابط پیچیده آنها در سینما، به اشکالی گوناگون بازتولید می‌شوند و مسئله بنیادین هر شخصیت، جایگاه و میزان قدرت اوست که در چگونگی مواجهه وی با هستی مؤثر است. هرکدام از شخصیت‌ها، بخشی از جهان فیلم را به خود اختصاص می‌دهد و چیزی که کنشگران را به حرکت وامی‌دارد، انگیزه اعمال انواع قدرت یا تلاش برای کسب قدرت بیشتر است. جهان فیلم، نمودی از جهان واقع است که نقش و جایگاه قدرت را در ارتباطات بین فردی و تعامل با جهان بازنمایی می‌کند. انسان به واسطه قدرتی که از آن بهره‌مند است جهان زیسته خود را ساخته و امکان حضور در تعاملات یا شکل‌دهی روابط علی و معلولی را می‌یابد. بوردیو اندیشمند پس‌اساختارگرای فرانسوی، در نظریه جامعه‌شناسانه خود، برداشتی متفاوت از مفهوم سرمایه و قدرت ارائه می‌دهد. وی برخلاف مارکس که سرمایه را تنها به شکل اقتصادی مورد بحث قرار داده، سرمایه را به مفهومی چندوجهی برای تحلیل کنش‌ها در حوزه‌های فرهنگ، سیاست و اقتصاد تبدیل کرده و برای این منظور از مؤلفه‌هایی چون میدان، عادت‌واره، کنشگر، انواع سرمایه و زبان بهره می‌گیرد. در نظر او هر نوع قدرتی می‌تواند یک سرمایه باشد. در این پژوهش تلاش بر آن است تا با توجه به مؤلفه‌های نظریه بوردیو، به شناختی عملی از ماهیت نظریه زبان و قدرت نمادین دست یافت و اهمیت پدیده زبان را در ساختار قدرت مورد تحلیل قرار داد.

قدرت می‌تواند خشونت‌ناپذیر نمادین در خود داشته باشد و به شکل غیر فیزیکی سلطه ایجاد کند؛ این در حالی است که فرد سلطه‌پذیر خود را ملزم به پذیرش تعهداتی می‌داند که در مقابل فرد سلطه‌گر داشته است. به واسطه این نگره می‌توان شکل‌های مختلف سلطه را بازخوانی کرده و با مطالعه روابطی که به‌نوعی مفهوم سلطه را با خود حمل می‌کنند، زوایای مختلف پنهان را که کمتر در نقطه توجه قرار دارند، آشکار ساخت. این نوع از سلطه که بوردیو آن را مورد تحلیل قرار می‌دهد در هر نوع رابطه‌ای می‌تواند شکل عینی به خود بگیرد. یکی از موضوعات مورد بحث در اندیشه بوردیو، نقش زبان به عنوان عامل سلطه در میدان فرهنگی و سیاسی است. از نگاه وی زبان واجد قدرت است و می‌تواند وسیله‌ای برای کنترل انسان‌ها باشد. همچنین زبان عامل اقتدار افراد و گروه‌هاست و برای آنکه افراد بتوانند در میدانی که بوردیو از آن یاد می‌کند بر دیگری سلطه داشته باشند

و حتی سلطه‌پذیر شوند باید این مهارت را کسب نمایند. سینما و به‌طور اخص فیلم‌های زندگی‌نامه‌ای، تا حدود زیادی از واقعیات درون جامعه نشأت می‌گیرند و توجه به ابعاد اجتماعی زبان نیز می‌تواند به رهیافت‌های مناسبی جهت به‌کارگیری مثبت آن برای اعمال کمترین خشونت منجر شود. زبان در مشروعیت بخشیدن به قدرت‌ها نقش دارد و از ابزارهای سلطه است؛ به همین جهت نمادی است که به وسیله اطاعت‌کنندگان به رسمیت شناخته می‌شود و اقتدار زبانی گروه‌های مسلط، متناسب با سرمایه‌های نهادینه شده در آنهاست. از سوی دیگر زبان مسئله‌ای است که در هنر سینما از جهات مختلف قابل ابهام و بررسی است. ضرورت پرداختن به پژوهش پیش رو نیز از ضرورت زبان در سینما و جامعه‌شناسی و تأویل‌های متفاوت از آن نشأت می‌گیرد و اهمیت آن در آشکارسازی لایه‌های پنهانی نظام قدرت، به مدد زبان، حتی در میدان کوچک خانواده است.

ارتباط تنگاتنگ و خلل‌ناپذیر قدرت و زبان در فیلم معجزه‌گر^۱ (۱۹۶۲) به‌گونه‌ای ملموس و نظام‌یافته قابل رؤیت است. معجزه‌گر، اثری زندگی‌نامه‌ای بر اساس زندگی هلن کلر، دختر بچه‌ای کر و لال بوده که ناتوان از برقراری ارتباط با جهان پیرامون خود است و به کمک آموزگاراش «آن سالیوان» این توانایی را بازیابی می‌کند. این فیلم دارای تعاملاتی برگرفته از جهان واقع است و به‌طور مستقیم بر کارکرد زبان و تأثیر آن بر قدرت شخص اشاره دارد؛ از این رو با توجه به مؤلفه‌های نظریه زبان و قدرت نمادین از اهمیتی خاص برخوردار است. تمامی کنشگران در این فیلم سعی بر مهار کردن رفتارهای بدوی هلن کلر داشته و به واسطه سرمایه‌های گوناگونی که در اختیار دارند به اشکال گوناگون بر دیگری تسلط می‌یابند. هلن کلر که به دلیل محدودیت‌های فیزیکی خود هرگز نتوانسته زبانی برای ارتباط با محیط اطرافش بیابد به‌هیچ‌عنوان نمی‌تواند تحت کنترل اطرافیان باشد. از سوی دیگر به دلیل ناکارآمدی زبان هلن (غیراستاندارد بودن)، وی نمی‌تواند میزان قدرت نمادینی که برای ورود به میدان‌های اجتماعی و حتی در سطح کوچک‌تر (خانواده)، لازم است را کسب کند.

پیشینه تحقیق

۱. احمدزاده بیانی، بهروز؛ اسدی امجدی، فاضل؛ اخوان، بهنوش؛ (۱۳۹۸). «نشانه‌شناسی تطبیقی مفهوم "قدرت" در

تکیه بر یک نوع از سرمایه، به منازعه قدرت پرداخته، و در فضای کلان اجتماعی، سرمایه تثبیت شده و گسترده، متعلق به مردان است و زنان قصه حتی «تهمینه» حاشیه‌هایی بر متن تلقی می‌شوند. این متن با بازتولید الگوی فرداستی مردان و فرودستی زنان در انواع میدان‌ها، تجربه‌های عینی و کلیدی را بازگو می‌کند. از این رو پژوهشی حائز اهمیت است.

۴. روحانی، سید علی (۱۴۰۰). «تحلیل جایگاه گروه هنر و تجربه در سینمای ایران به عنوان میدانی مستقل، از منظر آرای پیر بوردیو». مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه. بهار ۱۴۰۰. شماره ۱۱.

این پژوهش به بررسی جایگاه فرهنگی گروه سینمایی هنر و تجربه، از طریق نظریه میدان و مفاهیم پیرامون آن می‌پردازد و این مجرا را در تلاش برای ساخت زیر میدانی با ویژگی خودمختاری تعریف می‌کند و میزان موفقیت این گروه را مورد سنجش قرار می‌دهد.

۵. کریمی، محمدکاظم (۱۳۸۹). «اندیشه اجتماعی پیر بوردیو». نشریه فرهنگ پژوهش، شماره ۷.

این مقاله به بررسی ابعاد شخصیت پیر بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی می‌پردازد و اندیشه وی را از حیث اهمیت و تأثیرگذاری با ماکس وبر و دورکیم برابر می‌داند. همچنین در این پژوهش زمینه‌های فکری و اجتماعی آثار بوردیو بررسی شده و به نقد و تحلیل اندیشه‌های وی پرداخته می‌شود.

۶. جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ شهرام، پرستش (۱۳۸۶). «دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی بوردیو». نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰.

این تحقیق به ذات دیالکتیکی مفاهیم منش و میدان که در نتیجه معطوف به دریافت نظریه عمل به عنوان دستگاهی قدرتمند می‌شود پرداخته و نظریه عمل را به عنوان مرکز ثقل جامعه‌شناسی رابطه‌گرایانه توصیف می‌کند.

۷. انصاری، منصور؛ طاهرخانی، فاطمه (۱۳۸۹). «بررسی نظریه زبان و قدرت پیر بوردیو». نشریه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳.

این پژوهش به بررسی مؤلفه‌های کلیدی تئوری زبان‌شناسی پیر بوردیو اختصاص دارد. همچنین به جایگاه این مفاهیم در تحلیل امور سیاسی و به‌طور کلی به تعریفی جامع از بن‌مایه نظریات پسا ساختارگرایانه بوردیو می‌پردازد و از این جهت حائز اهمیت است که به چگونگی مشروعیت‌یابی و شرایط تولید اجتماعی زبان معطوف بوده

طعم گیلان عباس کیارستمی و هملت ماشین هاینر مولر بر اساس نظریه انسان‌شناسی ادبی پیر بوردیو». مطالعات زبان و ترجمه. سال پنجاه و دوم. تابستان ۱۳۹۸. شماره ۲

پژوهشی است که به رویکرد مشترک این دو اثر در برابر میدان قدرت، بر اساس دیالکتیک سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، خیال با واقعیت و متن با فرامتن می‌پردازد. همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که هر دو اثر، ذهن مخاطب را به عنوان سوژه‌ای کنش‌مند، فعال کرده و از این حیث در برابر آثار هالیوودی قرار می‌گیرند. دو اثر مورد بحث نشانگر قدرت هنر در واژگون‌سازی زبان رسانه و ساختار شکنی واقعیات کلیشه‌ای و همچنین گویای تأثیر دیالکتیک منش بر ساختارهای اقتصادی اجتماعی برای تعدیل میدان قدرت از طریق توسعه ارزش‌های هنر معناگراست. این پژوهش از حیث گشودن مبحث رابطه قدرت و زبان شباهت‌هایی با مقاله حاضر دارد.

۲. ذباح، محمود (۱۴۰۱). «جامعه‌شناختی سرمایه‌های زنان بر اساس نظریه انواع سرمایه پیر بوردیو در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم». ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد مشهد). شماره ۷۵. زمستان ۱۴۰۱

این مقاله به نقد جامعه‌شناختی رمان معاصر از دیدگاه بوردیویی در میان زنان می‌پردازد و انواع چهارگانه سرمایه شخصیت‌های زن رمان را بررسی می‌کند. زنان در این رمان به دلیل ضعف در کسب انواع سرمایه‌ها توان مقابله با جامعه مردسالارانه را ندارند و تحت سیطره مردها و سرمایه‌های آنان هستند و تنها با تکیه بر یک بعد از سرمایه‌شان زیست می‌کنند. این مقاله روابط سلطه را تبیین کرده و به تأثیرات قدرت نمادین می‌پردازد و از این حیث با مقاله پیش رو دارای وجهی اشتراکی است زیرا هلم کلر در نهایت و در برابر قدرت نمادین آن سالیوان تسلیم خواسته‌های وی می‌گردد و به ذهنیت آن سالیوان جامه عمل می‌پوشاند.

۳. گلمرادی، صدف (۱۳۹۳). «نقد جامعه‌شناسانه سرمایه‌های زنان در رمان قصه تهمینه محمد محمدعلی بر اساس نظریه انواع سرمایه پیر بوردیو». جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره شش، بهار و تابستان ۱۳۹۳. شماره ۱

این مقاله انواع سرمایه‌هایی که بوردیو از آنها یاد می‌کند در رمان قصه تهمینه، جایگاه زنان را تحلیل کرده و به این نتیجه می‌رسد که در فضای اجتماعی این رمان، سرمایه متقارنی برای زنان موجود نیست. زنان در این رمان تنها با

و مفاهیم مرتبط با بحث مقاله حاضر چون، میدان، سرمایه نمادین و عادت‌واره را مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش‌شناسی

این پژوهش بر اساس هدف کاربردی، از نظر روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، بر پایه روش، کیفی و بر مبنای ماهیت توصیفی است. این مقاله قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد که زبان به عنوان یک سرمایه چطور می‌تواند، هلم کلر را در فیلم معجزه‌گر، برای حضور در میدان و کسب قدرت نمادین آماده کند؟

چارچوب نظری

سرمایه نمادین

بوردیو^۲ سرمایه را یک شیء خاص مرتبط با منافع مادی نمی‌داند؛ بلکه مفهوم سرمایه از دیدگاه بوردیو با منافع نمادین در ارتباط است. سرمایه نمادین^۳ می‌تواند مهم‌ترین بخش از نظریه بوردیو باشد. وی سرمایه نمادین را این‌گونه تعریف می‌کند: «من به هر نوع از سرمایه (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) چنانچه بر اساس مقولات فاهمه دریافت شود، به اصول بینش و تقسیم، به نظام‌های طبقه‌بندی کننده و به قالب‌های شناختی که تا اندازه‌ای محصول درون کالبد شدن ساختارهای توزیع سرمایه در میدان هستند، سرمایه نمادین می‌گویم» (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

سرمایه نمادین از نگاه بوردیو در کتاب *واژگان بوردیو* نیز این‌گونه تعریف می‌شود: «هر نوع سرمایه به درجات مختلف مانند سرمایه نمادین عمل می‌کند، به‌طوری‌که شاید بهتر باشد به دقیق‌ترین وجه از اثرات سرمایه نمادین سخن گفته شود، به‌ویژه هنگامی که این سرمایه بازشناسی آشکار و عملی پیدا می‌کند. نام خانوادگی، نام آباء و اجدادی است که به‌طور نمادین تمام ثروت‌های عادی و غیرعادی گرد آمده و به ارث رسیده را انبار می‌کند و دارندگان این نام به دلیل قدرت، فضایل نمادین دارند، همه را به دنبال خود می‌کشاند» (شویره و فونتن^۴، ۱۳۸۵: ۱۰۱). سرمایه نمادین می‌تواند شکلی از قدرت^۵ باشد که دارندگان آن برای به رسمیت شناخته شدن، احترام، اطاعت و خدمات دیگران از آن بهره‌مند می‌شوند. «سرمایه نمادین که از شأن و حیثیت شخص سرچشمه می‌گیرد، مجموعه ابزارهای نمادین چون پرستیژ، احترام، قابلیت‌های فرد در رفتارها (کلام و کالبد) و نیز شکوه و فره‌مندی را به فرد اعطا می‌نماید» (فکوهی، ۱۳۸۴: ۳۰۰). شخص مسلط برای سلطه به دیگری،

نیازمند شخصی است که تسلط بی‌قید و شرط او را پذیرفته و وی را به رسمیت شناخته است. سرمایه نمادین با وابستگی که در خود ایجاد می‌کند می‌تواند بر شخص دیگر تسلط پیدا کند. این سرمایه جز در اعتماد و باور و اعتبار دیگران جایی نداشته و این سلطه زمانی مشروعیت می‌یابد که با اعتماد و پذیرش از سوی دیگران همراه باشد. گروه‌های سلطه‌گر از این طریق اعتبار و اقتدار خود را تثبیت کرده و این سرمایه راهی برای گفت‌وگو در رابطه با مشروع سازی روابط قدرت است. «ویر معتقد است اعمال قدرت به مشروعیت نیاز دارد. افراد و گروه‌هایی که می‌توانند خود را از گروه‌ها و افرادی که منافع مشخصی دارند، به گروه‌ها و افرادی که منافعی ندارند، تغییر دهند، به گفته بوردیو به سرمایه نمادین نائل می‌شوند» (سوارتز^۶، ۱۳۸۱: ۲۷).

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی^۷ با شبکه‌های اجتماعی که فرد در آن کنشگر است مرتبط است و از این رو مقدار سرمایه اجتماعی یک کنشگر به میزان شبکه‌های ارتباطی وی وابسته است. «سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ای با دوام از روابط کم‌و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه است؛ شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد» (فاین^۸، ۱۳۵۸: ۱۱۸). سرمایه‌ها اجتماعی مدرن می‌تواند شبکه وسیعی از احزاب، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها باشد. انواع مختلفی از سرمایه‌ها اجتماعی نیز هستند که برای کسب آنها کافی است از موقعیت جغرافیایی و یا نام خانوادگی خاصی برخوردار بود. «می‌توان آن را با به‌کارگیری یک اسم مشترک (نام خانوادگی، طبقه، طایفه، حزب) به لحاظ اجتماعی برقرار و تضمین کرد» (فاین، ۱۳۵۸: ۱۲۰). این نوع از سرمایه مستقیماً با سرمایه‌ها دیگر مرتبط و می‌تواند منتج از آنها باشد. «بدین‌سان حجم سرمایه مورد تملک یک فرد به اندازه شبکه پیوندهای وی بستگی دارد که او می‌تواند به طرز مؤثری بسیج کند و مضافاً وابسته است به حجم سرمایه اقتصادی، فرهنگی یا نمادین در تصرف کسانی که وی، با آنان مرتبط است» (فاین، ۱۳۵۸: ۱۴۸).

سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی^۹ می‌تواند مجموعه‌ای از خصایل ذاتی و فضیلت‌های اکتسابی را شامل شود و می‌تواند منتج از

فرادست و فرودست بر مبنای انواع و میزان سرمایه هستند (Boourdieu.1971: 178).

برای مثال بوردیو از میدان فکری برای تعریف الگویی از نهادهای، سازمان‌ها و بازارها استفاده می‌کند که تولیدکنندگان نمادین مانند نرمندان، نویسندگان و دانشگاهیان بر سر سرمایه نمادین دست به رقابت می‌زنند. (Boourdieu.1975: 19-49)

«یک میدان از درون خود بر اساس روابط قدرت ساخت می‌یابد. دست‌یابی به کالاها/ سرمایه‌ها در این میدان‌ها محل نزاع عاملان است. این کالاها به چهار مقوله تفکیک می‌شوند: سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی (انواع گوناگون روابط عالی با دیگران)، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین مثل پرستیژ و افتخار اجتماعی» (Bourdieu, 2005: 229). میدان‌ها جایگاه‌هایی هستند که افراد با سرمایه‌ها متفاوت می‌توانند در آن حضور پیدا کنند. میدان هنری، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی هر کدام عرصه فعالیت‌های نیروها و استعدادها معطوف به خود است. فوکو نیز اشاره می‌کند: «قدرت را نباید در مرکز اقتداری واحد جست، بلکه باید آن را پایه متحرک روابط نیروهایی دانست که به خاطر نابرابری‌شان بی‌وقفه حالت‌هایی از قدرت را موجب می‌شوند» (فوکو، ۱۳۹۵: ۱۲۰). از دیدگاه بوردیو در این میدان‌ها تلاش برای دست‌یابی به کالاهایی چون سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سرمایه نمادین صورت می‌گیرد. «هر میدان مجموعه‌ای تاریخی است که در طول زمان با فراز و فرودهایی روبه‌روست. اگر خصلت‌ها به لحاظ درونی الهام‌بخش عمل و رویه‌هاست، میدان به لحاظ بیرونی کنش و باز نمود را سازمان می‌دهد. کسانی که در میدانی به جایگاه و موقعیت سلطه و سروری می‌رسند در پی به اجرا درآوردن راهبرد بقا و حفظ وضع موجود هستند و در مقابل، ناراضیان و تحت سلطه‌ها که در به‌دست‌آوردن جایگاه‌ها و موقعیت‌ها ناکام مانده‌اند، به دنبال راهبردهای براندازی و تغییر وضع موجود هستند» (استونز^{۱۲}، ۱۳۸۳: ۳۳۷).

کنشگران میدان

هدف عاملان در میدان، کسب موقعیت برتر در رقابت با یکدیگر است. آنها باید برای حاکمیت و ایجاد سلطه بر یکدیگر سرمایه‌ای داشته باشند؛ «عاملان یا کنشگران»^{۱۳} میدان با هدف به دست آوردن موقعیت برتر، یعنی ایجاد حاکمیت و استیلا در هر میدانی وارد رقابت با یکدیگر می‌شوند. در

ظرفیت‌های بیولوژیکی شخص مانند حافظه و هوش باشد. «سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از ثروت‌های نمادین است که بدون کوشش شخص کسب نمی‌شود و به ارث برده نمی‌شود. این سرمایه در واقع قدرت شناخت یا قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد را شامل می‌شود و نیاز به کار طولانی، مداوم و پیگیر، یادگیری و فرهنگ‌پذیری کنشگر را با هدف جزئی از خود کردن و از آن خود کردن می‌پذیرد» (شویره و فونتن، ۱۳۵۸: ۹۷). «سرمایه فرهنگی داشتنی است که بودن شده است، ملکی است درونی شده و جزء لایتجزی شخص گردیده و در واقع خصلت او شده است» (شویره و فونتن، ۱۳۵۸: ۱۴۱). علاوه بر سرمایه‌ها درونی شده در شخص، این نوع از سرمایه می‌تواند حالتی عینی به خود بگیرد که نمود آن به صورت مادی در نوشته‌ها و کالاهای هنری یا بناهای تاریخی پدیدار می‌شود. «تحصیلات و مدارک تحصیلی، سرمایه‌ها فرهنگی نهادینه‌شده‌ای هستند که از سوی نهادهای رسمی به افراد داده می‌شود. آفرینش‌های هنری، سخنوری، توانایی خوب نوشتن، از سرمایه‌ها هنری به حساب می‌آیند» (ایوبی، ۱۳۹۷: ۷).

سرمایه اقتصادی^{۱۴}

این نوع سرمایه، شکلی ملموس‌تر از سایر اشکال سرمایه دارد و به مجموعه‌ای از دارایی‌های فرد از قبیل نقدینگی، مالکیت، اموال و نظیر اینها اطلاق می‌شود. سرمایه اقتصادی منجر به کنش‌هایی آگاهانه توسط کنشگر شده و نشانگر تمایز طبقاتی افراد جامعه است استفاده از اوقات فراغت مناسب، رفتن به موزه، شیوه مصرف، مورد توجه بودن در مدارس و مراکز آموزشی، پرستیژ اجتماعی، احترام و نوع سخن گفتن؛ همه بر آمده از امکانات مالی طبقه‌ای است که طبقات پایین‌تر از آن بی‌بهره هستند» (نقیب زاده و استوار، ۱۳۹۱: ۲۸۴).

میدان

میدان فضایی است که قدرت‌ها در آنجا اعمال می‌شود و هرکسی که می‌خواهد وارد میدان شود برای آنکه بتواند خواست‌های خود را اعمال کند باید حداقلی از سرمایه را دارا باشد. منازعه‌ای که در میدان درمی‌گیرد عده‌ای را مسلط و عده‌ای را تحت سلطه قرار داده و همواره افرادی که تلاش می‌کنند تا سرمایه‌ای کسب کنند در مقابل کسانی قرار می‌گیرند که توانایی اعمال قدرت توسط سرمایه‌کنونی خود را دارند. میدان‌ها فضاهایی ساخت یافته از موقعیت‌های

این رقابت آنان به دو گروه تقسیم می‌شوند: طرفداران حفظ نظم موجود، یعنی آنان که به ثبات و نظم میدان می‌اندیشند و در سوی دیگر هواخواهان برهم‌زنی نظم موجود» (استونز، ۱۳۸۳: ۳۳۷). بوردیو قدرت و سرمایه را یک مفهوم واحد می‌داند. کنشگران میدان، خواهان کسب سرمایه بیشتر و حفظ آن هستند. عاملان هموار برای کسب موقعیت برتر مبارزه می‌کنند. کنش‌ها و واکنش‌ها در میدان امکان ظهور می‌یابند و بازیگران بر اساس سرمایه خود و عادت‌واره‌های نهادینه‌شده پیشین می‌توانند دست به عمل و مبارزه بزنند.

عادت‌واره

به‌زعم بوردیو بسیاری از اعمال ما مانند حرف زدن، غذا خوردن، ژست‌ها از عادت‌واره‌ها برمی‌آیند؛ ولی این عادت‌واره‌ها^{۱۴} جنبه طبقاتی دارند. خصلت‌ها می‌توانند به فرهنگی فردی یا گروهی بدل شوند. «عادت‌واره‌ها، نظام‌هایی از قابلیت‌های پایدار و قابل انتقال (از طریق آموزش، فرایند اجتماعی شدن یا تقلید و تأثیرپذیری) هستند که ساختارهای بیرونی را در افراد درونی می‌کنند، به صورتی که افراد با عمل خود ساختارها را بازتولید می‌کنند» (فکوهی، ۱۳۸۴: ۲۹۹). عادت‌واره‌ها در ناخودآگاه وجود دارند اما شرایط اجتماعی می‌تواند آنها را پنهان سازد. «عادت‌واره را می‌توان محصول تاریخی و فرهنگی اعمال فردی دانست که در سطح ناخودآگاه معنا می‌یابد» (فرهادی، ۱۳۹۲: ۲۹). این عادت‌واره است که کنش‌ها را تولید می‌کند و انسان‌ها از طریق عادت‌واره‌ها ادراک می‌کنند و در میدان فعالیت می‌کنند. «در میان بوردیو پژوهان مطرح، تقریباً این اجماع به وجود آمده است که کانونی‌ترین مفهوم در اندیشه بوردیو مفهوم هابیتوس است» (Lemert, 1981: 302). عادت‌واره به‌نوعی ساخت اجتماعی است که ذهنی شده است. در ابتدا از طریق تجربه شکل می‌گیرد و پس از آن به وسیله درونی ساختن عناصر بیرونی. «قدرت عادت‌واره ناشی از نبود تفکر در عادت و عادت کردن است، نه از قواعد و اصولی که آگاهانه آموخته می‌شود. عملکردهایی که توانش اجتماعی دارند به صورت نوعی روال متداول و بدون ارجاع صریح به پیکره‌ای از معرفت مدرن و بدون کنشگرانی که ناگزیر بدانند چه می‌کنند انجام می‌گیرد» (جنکینز^{۱۵}، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

زبان

زبان برای بوردیو یکی از مهم‌ترین وجوه میدان فرهنگی و

سرمایه نمادین است. او اصرار دارد که زبان را نمی‌توان جدا از متن فرهنگی آن و شرایط اجتماعی تولید و دریافت آن تحلیل و فهم کرد (Myles, 1999: 901). بوردیو از زبان به عنوان سرمایه نمادین و عامل سلطه در انواع میدان‌های سیاسی، فرهنگی جامعه یاد می‌کند. «از نگاه بوردیو، زبان^{۱۶} نوعی سرمایه نمادین و عامل سلطه در میدان‌هاست. زبان درون ارتباطات معنی می‌یابد و واجد قدرت و وسیله‌ای است که انسان‌ها را کنترل می‌کند. زبان در پدید آمدن و تثبیت قدرت نمادین نقشی اساسی دارد. زبان به وسیله اطاعت‌کنندگان مانند نمادی به رسمیت شناخته شده و موجب اقتدار افراد و گروه‌ها می‌شود» (Snook, 1990: 177). زبان به عنوان تکنیکی بدنی در تجربه افراد نهفته است و افراد از طریق زبان و تجارب شخصی خود به بیان رابطه با جهان بیرون می‌پردازند. «درک زبان تنها در تجربه مشروع در درون جامعه امکان‌پذیر است. در عادت‌های خوردن و نوشیدن، مقاصد فرهنگی، درک هنر، ورزش، لباس و مد، مبلمان، سیاست و غیره» (Bordieu & Walquant, 1992: 149). «اساس اندیشه بوردیو نیز بر این مبناست که وجود انسان به قالب بدن ریخته شده است و از طریق آگاهی، ادراک، احساس و شهود به ضبط و فهم محیط پیرامون می‌پردازد. از آنجاکه حاصل کار درک این جهان نوعی آگاهی و معرفت است، بر اساس سنت پدیدارشناسانه و عمل باورانه وی، وجه مشخصه موجود انسانی، همین رابطه دیالکتیک بین زبان و مقرر و معین بودن تجربه است» (پارکر^{۱۷}، ۱۳۸۶: ۷۱). اقتدار زبانی طبقه‌های مسلط در جامعه نیز مرتبط با سرمایه‌های نمادینی است که برای ما تعریف شده‌اند. «زبان است که منشاء قدرت می‌شود و از طریق گفتار است که سلطه بر آدمی اعمال می‌شود» (Wilson, 1990: 11). بوردیو معتقد است دارندگان زبان نافذ، شانس بیشتری برای موفقیت در اعمال سلطه دارند و بازار زبانی، که زبان را به مثابه یک کالا می‌داند سبک و محتوای زبان گفتاری را مشخص می‌سازد. همچنین اقتدار زبانی حاصل تجارب بیرونی است که در طول زمان کسب شده و برای صاحبان زبان، اقتدار ایجاد می‌کند.

بحث و بررسی

عدم وجود سرمایه فرهنگی و نمادین در کنش‌گری هلن کلر سرمایه نمادین، به منزله عاملی برای مشروعیت بخشیدن به شخص و کسب اعتبار و قدرت در فرد، هلن کلر^{۱۸}

کدوم نتونستن کاری براش بکنن.

۲. - آن سالیوان: تموم این خونه رو با «توجه» به این بچه گرفتن. چیزی هست که بخواد و براش فراهم نشه؟ ینی به عقیده شما فراهم کردن مهم‌تر از اینه که چیزی بهش یاد داد بشه؟ (دقیقه ۳۶:۲۷)

کاپتان (پدر هلن) به این خاطر که قصد اعمال سلطه بر هلن را دارد؛ از تعلیم و آموزش کمک می‌گیرد و از آن سالیوان^{۱۹} (تعلیم گر هلن) تنها، انتظار آموزش رفتار درست به وی و حفظ پاکیزگی و نظافت شخصی را دارد. درنهایت، شکل‌گیری سرمایه نمادین و فرهنگی در کنش‌های هلن کلر، پس از تعلیم توسط آن سالیوان، سبب رضایت خاطر کاپتان می‌شود.

- آن سالیوان: من فقط یه چیزو به هلن یاد دادم: اطاعت! این کارو بکن اون کارو نکن.

- کاپتان: بیشتر از این ما چیزی احتیاج نداریم. شما خیلی کارای درست و به هلن یاد دادید. رفتار درست و پاکیزگی. (دقیقه ۵۴:۸۲)

ناتوانی هلن کلر در کنشگری بر میدان

در ابتدای فیلم معجزه‌گر، هلن در مزرعه‌ای تنها بدون آنکه بداند کجاست می‌دود و متعاقباً در قسمتی دیگر از فیلم، به نظر می‌رسد بین لباس‌های بند رخت و در میان باد، خود را گم کرده است. وی، به دلیل ناآگاهی از فضای اطراف، وسایل کاپتان را از روی میز به پایین می‌اندازد و در تمام این موارد مادرش به کمک او می‌شتابد (تصویر شماره ۱). می‌توان گفت هلن حتی در میدان‌های کوچک‌تر نظیر خانه،

(شخصیت اصلی معجزه‌گر) را خارج از سلسله‌مراتب سلطه قرار داده است. به بیان دیگر شخصیت اصلی فیلم معجزه‌گر نه بر گروهی احاطه دارد و نه از نهادی در اجتماع (حتی نهاد خانواده) اطاعت می‌کند. این نوع از سرمایه، آورده‌هایی چون اعتبار و احترام را با خود حمل می‌کند که هلن کلر به‌طورکلی فاقد آن است. وی راهی برای گفت‌وگو با اطرافیان ندارد و به‌نوعی نمی‌تواند چیزی را در کنترل خود بگیرد. هلن مرتب به خاطر ناتوانی از کسب سرمایه فرهنگی و عدم رعایت آداب اجتماعی سرزنش می‌شود و مورد تحقیر قرار می‌گیرد. والدینش به دلیل ناتوانی در ارتباط با وی و یا اعمال سلطه بر او، قصد دارند هلن را به یک مرکز نگهداری بفرستند. هلن ظاهری شبیه به انسان بدوی دارد که از هر نوع تعلیم و تربیت به دور است و حتی قادر به پوشیدن لباس‌هایش نیست. او به جهت ناتوانی در کنشگری استاندارد (کر، لال، ناینا بودن)، تا زمانی که موفق به فراگیری زبان اشاره نشده نمی‌تواند سرمایه‌ای کسب کند یا در گروه‌های اجتماعی جای بگیرد. هلن کلر قادر نیست مهارت‌های لازم را برای ورود به میدان کنشگران، فرا گرفته و در آینده نقشی در روابط قدرت و سلطه ایفا کند؛ چراکه با مفهوم اطاعت نیز آشنایی ندارد. بعضی اظهار نظرها در خانه کلر به عدم وجود سرمایه نمادین و فرهنگی در کنشگری هلن کلر اشاره می‌کنند:

۱. جیمز (برادر هلن): اون حتی نمی‌تونه خودشو تمیز نگه داره. دیدنش برای ادم واقعا ناراحت‌کننده است. (دقیقه ۵۸:۰۶)

۲. کاپتان (پدر هلن): کار کردن تو این خونه مثل کار کردن توی مرغدونیه. (دقیقه ۴۵:۰۶)

هلن فرزند خانواده‌ای مرفه و دارای سرمایه اقتصادی است که از الزامات قرارگیری در طبقه بالای جامعه نیز هست. از دیدگاه بورديو سرمایه اقتصادی می‌تواند زمینه کسب سرمایه فرهنگی را نیز فراهم کند؛ چرا که اگر هلن فرزند خانواده‌ای مرفه نبود، امکانات فراگیری زبان اشاره از طریق تعلیم‌گری چون، آن سالیوان را نداشت.

۱. - مادر بزرگ: آرتور باید برای این بچه یه کاری کرد. (دقیقه ۵۷:۰۵)

- کاپتان: پیشنهاد خیلی جالبیه چیکار؟

- مادر بزرگ: معلومه شنیدم در مدرسه پرکینگز که در بوستونه اینجور بچه‌ها رو به طرز عجیب غریبی تربیت میکنن.

- کاپتان: این بچه رو همه‌جا پیش متخصصا بردیم ولی هیچ



تصویر ۱. هلن کلر نیاز به مراقبت و توجه دائمی مادر دارد.

اطاعت کند. تسلط سرمایه اقتصادی کاپتان کلر بر سرمایه فرهنگی آن سالیوان در گفت‌وگوی این دو با یکدیگر مشهود است.

۱. کاپیتان: من دستور میدم دستش (دست هلن) رو ول کنید خانوم! (دقیقه ۱۶:۳۶)

- آن سالیوان: من وقتی بچه‌ای رو که بد بار اومده باشه می‌بینم خوب می‌فهمم.

۲. کاپیتان (خطاب به کیت): تا آخر هفته باید این خانوم (آن سالیوان) رو فرستاد به بوستون، تو می‌تونی از طرف من بهش بگی. این حقوق بگیر منه. یا باید بیاد و از من معذرت‌خواهی کنه یا با قطار بعدی برگرده به بوستون. (دقیقه ۱۴:۳۷)

۳. پول درهایی که شکسته شده رو خانوم آنی باید بده. از وقتی اومده تو این خونه هیچی نبوده غیر از یک موجود تحمیلی، بی‌صلاحیت، گستاخ، بی‌خاصیت، بی‌حیا و بی‌م... (دقیقه ۲۸:۵۱)

از سویی دیگر آن سالیوان، توسط سرمایه فرهنگی می‌تواند نقش تعلیم‌گر را داشته باشد و توسط امر آموزش بر هلن سلطه یابد (تصویر ۲). وی این اجازه و امکان را پیدا می‌کند که به واسطه جایگاه تعلیم‌گری و برخورداری از مدرک تحصیلی که سرمایه‌ای نمادین و فرهنگی است؛ شدیدترین سخت‌گیری‌ها را بر هلن اعمال کند.

۱. - آن سالیوان: من می‌خوام هلن در اختیار من باشه اون باید محتاج من بشه (دقیقه ۱۵:۵۶)
- کیت: برای چی؟

- آن سالیوان: برای همه چی. غذای که می‌خوره، لباسی که می‌پوشه، هوای آزاد. اون هوایی که تنفس می‌کنه. جسمش به هر چی که احتیاج داره؛ وسیله‌ای برای یاد دادنش.

۲. - آن سالیوان: خودش می‌دونه که صبحانش رو می‌دم بخوره اما وقتی لباسشو بپوشه. (دقیقه ۴۴:۷۵)

- کاپیتان: می‌خوانی در گرسنگی بمیره تا اطاعت کنه؟

- آن سالیوان: اون نمی‌میره یاد می‌گیره. هلن همونجور زندگی می‌کنه که ازش بخوان. بذارید با اون چیزی که یاد گرفته نگهش دارم. بازم از من یاد می‌گیره.

۳. - آن (خطاب به هلن): هلن! من می‌خوام بت یاد بدم، تمام چیزایی که تو دنیا هست. چیزهایی که تو دنیا مال ما هست. (دقیقه ۳۷:۸۴)

توانایی حضور و کنشگری قابل پذیرش را ندارد؛ زیرا فاقد سرمایه‌هایی است که به وی امکان کنشگری مناسب اعطا کنند. هلن کلر در دنیای پیرامون خود گم شده و قدرت درک پدیده‌ها را ندارد؛ از این رو رفتارهای وی مراقبت دائمی مادر را می‌طلبد. او به دلیل عدم بهره‌مندی از سرمایه نمادین و زبان (کلام و گفتار) از یافتن کنش مناسب و به تبع آن، از یافتن جایگاه خود در میدان سلطه، عاجز است. از این رو کاپتان از مادر هلن می‌خواهد که به دنبال راهی برای تعلیم وی باشند. - کاپیتان: باید راهی برای تعلیم و انضباط این بچه پیدا کنیم. (دقیقه ۲۶:۰۸)

- کیت (مادر): چطور تعلیمش بدم؟ اندر بزمنش که کبود بشه؟ (دقیقه ۳۵:۰۸)

از سوی دیگر میزانشن‌های آغازین فیلم معجزه‌گر بر عدم آمادگی هلن برای حضور در میدان تأکید می‌ورزند:

۱. (خارجی/روز/مزرعه): فضای خلوتی از مزرعه با علف‌های کم ارتفاع در حال رشد دیده می‌شود و خانه کلر در پس‌زمینه تصویر است. تصویر به آهستگی از یک‌سو به‌سوی دیگر مزرعه می‌رود و فیکوری از کودکی هلن در مزرعه را دنبال می‌کند. در صحنه بعد، هلن از پایین کادر وارد شده و مادرش با نگرانی به دنبال وی می‌دود. (دقیقه ۳۳:۰۴)

۲. (خارجی/روز/حیات): ملحفه‌های تخت از بند آویزان شده تا در حیات خشک شوند. نوعی پیچ‌وخم در ملحفه‌ها با وزش باد به چشم می‌خورد و در میان آنها، دختر بچه‌ای در حال حرکت است. هلن پنج‌ساله تقلا می‌کند. باد شدیدی می‌وزد و ملحفه‌ها به طرف چهره هلن ضربه می‌زنند! چهره‌اش حالت ترس دارد. او ندانسته یک ملحفه را پایین می‌کشد و در چین‌هایش پیچیده می‌شود. در پس‌زمینه تصویر، کیت (مادر) از خانه برای کمک به او با عجله می‌آید. (دقیقه ۳۷:۰۳)

کنشگران اصلی میدان «فیلم معجزه‌گر»

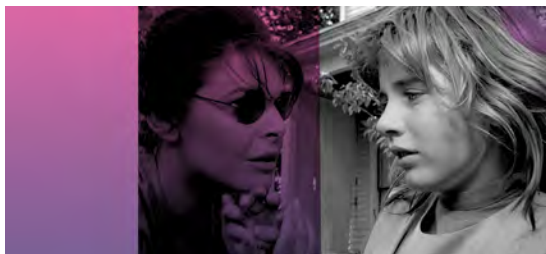
کنشگران اصلی میدان در فیلم معجزه‌گر، با ابزارها و سرمایه‌ها خود به‌راحتی بر یکدیگر تسلط پیدا می‌کنند. کاپتان (پدر هلن) با سرمایه اقتصادی و نقدینگی می‌تواند به (آن سالیوان) حکم رانی کند. وی آن سالیوان را «حقوق‌بگیر» خود خطاب می‌کند و معتقد است معلم هلن باید به واسطه دستمزدی که به او پرداخت می‌شود از وی

۲. - (روز/داخلی/اتاق): هلن شروع به کوبیدن در می‌کند. آن سالیوان بلند می‌شود و از میان صندلی‌ها عبور کرده، و می‌کشد، روی صندلی می‌نشانند و دستانش را روی بشقاب رها می‌کند. همان‌طور که آن سالیوان شروع به نشستن می‌کند هلن از صندلی خود خیز برمی‌دارد و به سمت در ورودی می‌رود و به آن سالیوان لگد می‌زند. آن سالیوان دوباره بلند می‌شود او را با یک مشت به سمت میز می‌کشد و می‌نشانند و خودش نیز می‌نشینند. هلن به سمت در فرار می‌کند و در مسیر بازگشت، به صندلی مادرش ضربه می‌زند. آن سالیوان برای تعقیب دوباره هلن بلند می‌شود و او را با لگد به سمت صندلی‌اش می‌کشد. هلن خودش را به آن سالیوان می‌سپارد و یک بار دیگر می‌نشیند. هلن دست‌وپا می‌زند اما به هنگام برخاستن، آن سالیوان او را دوباره روی صندلی می‌نشانند. هلن از طرفی دیگر برای رفتن به سمت درب عقبی تقلا می‌کند اما آن سالیوان از پاشنه پا او را می‌گیرد و دوباره روی صندلی می‌نشانند. هلن به سمت چپ خود تقلا می‌کند، و بلافاصله بلند شده و حرکتش توسط سالیوان خنثی می‌شود. او دوباره تلاش می‌کند و به عقب کشیده می‌شود. (دقیقه ۳۹:۵۲)

هلن در خلال یادگیری زبان اشاره و آداب زندگی اجتماعی، در حال آماده شدن برای حضور در میدان‌های بزرگ‌تر از خانواده یا اجتماع است (تصویر ۳). وی می‌تواند پس از فراگیری زبان و کسب سرمایه نمادین و تغییر عادت‌واره‌ها بر گروهی دیگر تسلط یابد. (شکل ۱)

→ → →
Captain Arthur Keller Anne Sullivan Helen Keller 2

شکل ۱. شکل‌گیری روابط سلطه در معجزه‌گر.



تصویر ۳. هلن کلر، در یافتن راهی برای ورود به میدان.

۴. - آن (خطاب به والدین هلن): من و اون (هلن) باید جای دیگه‌ای زندگی کنیم تا وقتی گوش کردن رو یاد بگیره و به من اتکا کنه.
۵. - آن: خانوم کلر، هلن همونجوری زندگی می‌کنه که ازش بخوان نه جور دیگه! (۸۳:۰۲)

۱. - (روز/داخلی/میز غذا): دست هلن، با حرکت چنگال‌وار از دهانش خارج شده و بلافاصله وارد بشقاب آن سالیوان می‌شود. آن سالیوان محکم دست وی را به بشقاب خودش باز می‌گرداند. در پاسخ، هلن پای آن سالیوان را نیشگون می‌گیرد. آن سالیوان چنگال را پایین می‌اندازد و دهان هلن را محکم می‌گیرد. هلن یک نیشگون دیگر از پای آن می‌گیرد و این بار آن با زرنگی، روی دست هلن می‌زند. هلن این بار با مشت تلاش می‌کند و دست آن سالیوان با یک سیلی محکم، از صورت هلن می‌گذرد. هلن اکنون مبهوت است. وقتی هلن دوباره به وی ضربه می‌زند؛ آن سالیوان عمداً دوباره به او سیلی می‌زند. هلن مشت خود را بلند کرده و آن سالیوان دست خود را برای یک سیلی دیگر بلند می‌کند و آنها در این حالت فیکس می‌شوند. هلن مشتش را پایین می‌اندازد و جای بیشتری به آن سالیوان می‌دهد و اطراف صندلی مادرش را دستمالی می‌کند. وی راه خود را در امتداد میز ادامه می‌دهد و با برخورد به صندلی‌های خالی و بشقاب‌های گمشده گیج به نظر می‌رسد. دوباره صندلی مادرش را لمس می‌کند و به آن سالیوان اشاره می‌کند و منتظر جواب می‌ماند. (دقیقه: ۳۵:۳۵)



تصویر ۲. آن سالیوان، اولین کسی است که با هلن کلر درگیری فیزیکی دارد.

تأثیر عادت‌واره‌های هلن کلر بر کنش‌گری وی

هلن در روند تعلیم خود دچار دگرگونی عادت‌واره‌ها می‌شود. او عادت کرده است که غذای خود را از بشقاب‌های دیگران بردارد و نیازی به نشستن دور میز نمی‌بیند. وی ترجیح می‌دهد با دست غذا را میل کند، زیرا عادت‌واره‌های وی این‌گونه شکل گرفته و تلاش‌های مادرش برای آموزش غذا خوردن به شکل صحیح، با شکست همراه بوده است.

(روز/ داخلی/ میز غذا): درحالی‌که در پس‌زمینه صحنه دیالوگی با مهمان خانواده شکل گرفته؛ هلن در اطراف میز غذا مشغول کندوکاو است و درنهایت به طرف بشقاب آن سالیوان می‌رود. او با دستانش بشقاب جیمز (برادرش) سپس بشقاب کاپیتان را به هم می‌زند. اما هر دوی آنها این عمل را از جانب وی کاملاً بدیهی می‌دانند و به‌سختی متوجه این امر می‌شوند. سپس هلن با دست‌های آغشته به غذای خود، به سمت آن سالیوان می‌آید. دست او به سمت بشقاب آن سالیوان می‌رود و آن سالیوان که منتظر رسیدن وی بوده است، عمداً دست او را بلند می‌کند و به سمت مخالف می‌برد. هلن دوباره به بشقاب آن سالیوان دست می‌زند. آن سالیوان مچ دست او را محکم می‌چسبید و دستش را از روی میز برمی‌دارد. هلن دوباره دستانش در بشقاب وی فرو می‌کند. آن سالیوان دستان وی را می‌گیرد. هلن شروع به کوبیدن پا و ایجاد سروصدا می‌کند. وقفه‌ای، نگاه کاپیتان کلر را به سمت آنها سوق می‌دهد:

- کاپیتان: چیکار می‌کنی؟ (دقیقه ۳۵:۳۸)

- کیت: خانم آن، اون عادت کرده که از بشقاب‌های ما هر چیزی که می‌خواد برداره.

- آن سالیوان: بله. اما من این عادت و ندارم.

به جهت این‌که عادت‌واره‌ها کنش‌های آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، هلن نمی‌تواند با عادت‌واره‌های غیر قابل قبول خود که شکلی بدوی دارند، فردی قابل پذیرش در میدان‌های اجتماع باشد. ازاین‌رو تعلیم‌گر وی (آن سالیوان) سعی در تغییر عادت‌واره‌های او دارد. آن سالیوان در ابتدا سعی می‌کند غذا خوردن صحیح را به هلن آموزش دهد و هلن بعد از مدتی یاد می‌گیرد چطور روی صندلی خود بنشیند و با قاشق غذا بخورد. درواقع معلم وی، سعی دارد از طریق درونی ساختن عناصر بیرونی عادت‌واره‌های او را تغییر دهد و از این‌که توانسته هلن را به تا کردن دستمال سفره مجبور سازد، خشنود است.

- آن سالیوان: اون غذاشو تو بشقاب خودش خورد. با قاشق هم خورد. خودش تنها، دستمال سفره‌اش رو هم تا کرد. اتاقش در هم ریختس اما دستمال سفره‌اش تا شده! (دقیقه ۴۶:۴۳)

- کیت (با خوشحالی): هلن من دستمال سفرشو تا کرد.

زبان؛ ابزار سلطه بر هلن کلر

زبان یکی از ابزارهای سلطه به شمار می‌آید و در ارتباطات خانواده هلن کلر نیز حائز نقشی بنیادین است. زبان واجد قدرت و وسیله‌ای برای تسلط و کنترل انسان‌ها بر یکدیگر است. همچنین تا زمانی که فرد قدرت به‌کارگیری زبان را به رسمیت نشناخته باشد قادر به ایجاد ظرفیت‌های قدرت نمادین در خود نخواهد بود. در فیلم معجزه‌گر، آن سالیوان می‌خواهد به خانواده هلن گوشزد کند که اطاعت محض نوعی کوری است و در نظر دارد با آموختن زبان اشاره به هلن، او را برای کسب قدرت و سرمایه و حضور در میدان آماده کند (تصویر ۴ و ۵). اقتدار زبانی هلن کلر، حاصل سرمایه‌هایی است که در وجود وی نهاده شده و می‌تواند در بازار زبانی تأثیرگذار باشد. آن سالیوان اصرار می‌ورزد که اطاعت را به هلن آموزش داده است و برای وی یادگیری زبان، به منزله اطاعت‌پذیری فرد است؛ زیرا خود نیز با کاربست زبان بر هلن تسلط یافته است. این همان عاملی است که می‌تواند هلن را برای کسب موقعیت‌هایی جدید به عنوان کنشگر و حضور در میدان‌های بزرگ‌تر آماده کند.

۱. - آن سالیوان (خطاب به هلن): اونچه که ما حس می‌کنیم، فکر می‌کنیم و می‌فهمیم همه با کلماته. من اینو می‌دونم که اگه فقط یک کلمه رو بفهمی می‌تونم دنیا رو تو دستات بذارم. (دقیقه ۵۶:۸۴)



تصویر ۴. آشنا ساختن هلن کلر با کلمه آب و تلفظ آن.



تصویر شماره ۵. آموختن زبان اشاره به هلن کلر توسط آن سالیوان.

پاسخ به سؤال اول پژوهش، از یافته‌ها چنین استنباط می‌شود که؛ آموزش زبان اشاره به هلن کلر از دو جهت حائز اهمیت است؛ از یک سو، تعلیم دادن وی با هدف سلطه‌پذیر شدن او توسط زبان و آشنا ساختن هلن با انواع سرمایه‌هایی که قادرند بر وی تسلط یابند (به‌عنوان مثال هلن پس از مدتی درمی‌یابد، تحت سلطه معلم و خانواده خویش است؛ در صورتی که قبل از تربیت و آموزش، هرگز مفهوم قدرت را به‌جز در بعد فیزیکی آن نمی‌دانست). از سوی دیگر آموزش زبان می‌تواند تلاشی از جهت خانواده و تعلیم‌گر وی، برای شکل دادن به هویت فردی او و آشنا ساختن هلن با چگونگی کسب انواع سرمایه‌ها نمادین، فرهنگی، اجتماعی و غیره برای ورود به میدان‌های دیگر باشد. هلن در راستای فراگیری زبان اشاره، به این امر واقف می‌شود که تنها می‌تواند تحت سلطه خانواده به کنش‌های خود شکل دهد و از سویی دیگر با کسب سرمایه توسط زبان، می‌تواند خود را برای کسب سلطه در آینده و برای ورود به میدان قدرت نیز آماده نماید. در پاسخ به سؤال دوم و سوم چنین نتیجه‌گیری می‌شود که؛ کاپتان و آن سالیوان، به واسطه برخورداری از قدرت و سرمایه‌ای خاص، سعی در تسلط بر میدان آموزش را دارند؛ در ابتدای امر سرمایه اقتصادی کاپتان، غالب بر سرمایه‌های تعلیم‌گر هلن است. زیرا کاپتان، وی را توسط ثروت مادی خود به خدمت گرفته است؛ اما در نهایت، آن سالیوان با در اختیار داشتن سرمایه نمادین، در جایگاه آموزش و با اتکا به اهمیت فرهنگ و زبان در کسب قدرت هلن کلر (در میدان)، بر سرمایه اقتصادی کاپتان مسلط می‌شود که این موضوع مؤید دیدگاه بوردیو بر اهمیت سرمایه نمادین و دیگر سرمایه‌های غیر مادی است.

۲. - آن سالیوان (خطاب به والدین هلن): من فقط به چیزو به هلن یاد دادم: اطاعت. من می‌خواستم بهش نشون بدم که زبان چیه. می‌دونم که اطاعت بدون یاد گرفتن زبان هیچ موهبتی نیست. اطاعت بدون فهمیدن به نوع کوریه. (دقیقه ۸۸:۱۶)

۳. - آن سالیوان: خانوم کلر! هلن دیگه معنی اسم هر چیزی رو می‌فهمه. هلن نجات پیدا کرد. (دقیقه ۹۷:۳۵)

نتیجه‌گیری

بوردیو، سرمایه را نه شیء یا منبعی خاص، بلکه از آن به عنوان مجموعه روابطی یاد می‌کند که تحت تأثیر نابرابری‌های اجتماعی، و روابط سلطه قرار دارد. وی جامعه را متشکل از میدان‌هایی می‌داند که گروه‌ها یا اشخاص با سرمایه‌ها نمادین و اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی فزون‌تر، بر آنها مسلط بوده و سایر افراد در این میدان رقابتی، با راهبردهای انباشت انواع سرمایه تلاش دارند تا برای در اختیار گرفتن جایگاه مناسب با سایرین مبارزه کرده و از سلطه‌پذیری به سوی سلطه‌گری حرکت نمایند. فیلم معجزه‌گر، میدان برخورد سرمایه‌هایی است که بوردیو از آنها یاد می‌کند. هلن کلر به واسطه فقدان توانایی گفتار (سرمایه زبان) و عاجز ماندن از درک گفتار دیگران (به سبب ناشنوایی)، از کمترین میزان سرمایه برای اعمال قدرت و سلطه‌گری در این میدان برخوردار است. و از حداقل میزان سلطه‌پذیری و تابعیت برخوردار بوده که این موضوع سبب می‌گردد؛ والدین وی برای سهولت در اعمال قدرت بر او، از سازوکار تعلیم و تربیت توسط یک مربی مجرب مدد بجویند. به تعبیری دیگر، فیلم معجزه‌گر گویای کاربست دوجهی زبان در امور سلطه و قدرت است. در

پی‌نوشت‌ها

- | | | |
|---|-----------------------|----------------------|
| 1. The Miracle worker(1962). | 2. Pierre Bourdieu. | 3. symbolic capital. |
| 4. Christian scheuer & oliver fontaine. | 5. power. | 6. David swartz. |
| 7. social capital. | 8. Ben fine. | 9. cultural capital. |
| 10. economic capital. | 11. Michel foucault. | 12. Rob stones. |
| 13. Activists. | 14. Habits. | 15. Richard jenkins. |
| 16. language. | 17. Loicj.d walquant. | 18. Helen keller. |
| 19. Ann sullivan. | | |

فهرست منابع

- استوار، مجید (۱۳۹۳)، بوردیو و جامعه‌شناسی نمادها، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دهم، شماره ۲۶.
- استونز، راب (۱۳۸۳)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، چاپ سوم، تهران، نشر مرکز.
- انصاری، منصور؛ طاهرخانی، فاطمه (۱۳۸۹)، بررسی نظریه زبان و قدرت پیر بوردیو، نشریه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۹۷)، دولت، فرهنگ و اقتدار نمادین از دیدگاه بوردیو، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۳۱۰ و ۳۱۱.
- پارکر، جان (۱۳۸۶)، ساخت‌یابی، ترجمه حسین قاضیان، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- پیر، بوردیو (۱۳۸۴)، طرحی از یک نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، نشر نقش و نگار.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ شهرام، پرستش (۱۳۸۶)، دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل‌پی‌یر بوردیو، نشریه نامه علوم/اجتماعی، شماره ۳۰.
- جینکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، پی‌یر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسین چاوشیان، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- سوارتز، دیوید (۱۳۸۱)، اقتصاد سیاسی قدرت نمادین، ترجمه شفیعه صالحی، فصلنامه اقتصاد سیاسی، سال اول، شماره ۳.
- شویره، کریستین؛ فونتن، اولویه (۱۳۸۵)، واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، نشر نی.
- فاین، بن (۱۳۸۵)، سرمایه/اجتماعی و نظریه اجتماعی، ترجمه محمد کمال سروریان، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فرهادی، محمد (۱۳۹۲)، زبان، عمل و سوژگی، راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دوم، شماره ۷.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴)، تاریخ نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران، نشر نی.
- فوکو، میشل (۱۳۹۵)، مراقبت و تنبیه، ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش، تهران، نشر نی.
- کریمی، محمد کاظم (۱۳۸۹)، اندیشه اجتماعی پیر بوردیو، نشریه فرهنگ پژوهش، شماره ۷.
- نقیب‌زاده، احمد؛ استوار، مجید (۱۳۹۱)، بوردیو و قدرت نمادین، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲.

- Bordieu, pierre & walquant, loicj.d. (1992). *An invitation to reflexive sociology*, the university of Chicago press
- Bourdieu, pierre. (2005). *Language and symbolic power*, translated by gino Raymond and matthew adamson, London, polity press
- snook Ivan. (1990). *language truth and power*. Bourdieus ministerium , in An introduction to the work of pierre Bourdieu. (the practice of theory), Edited bu Richard harker, cheleen mahar, chris wilkes, m, New York: martines press.
- lemert (ed), (1981) *French Sociology: upture and Renewal Since 1968*, New York: Columbia Uniiversity Press.
- Bourdio, pierre, (1971), *Intellectual Field and Creative Project*, In *Knowlwdge and control: New direction for the Sociol-ogy of Education*, ed. M.f.d. Young. London: collier-macmillan.
- Borurdieu, (1975), *The specifity of The Scientific field and the Sociial Conditions of the Progress of Reason*. Social Scii-ence Information 14(6).
- wilsin hohn, (1990) *politically Speaking: the Pragmatic Analysis of political Language*, cambriidge: basil blakwell
- Myles John. (1999) *From Habitus to mouth: Language and class in Bourdieu sociology of language*, theory and society, vol.28. No.5/6 dec